

The Experience of Spouse Selection in Divorce-seeking Individuals

Behnaz Hatamikia¹, Asie Shariatmadar², Ebrahim Naeimi³

1. MA in Family Counseling, Department of Counseling, Faculty of Psychology and Education, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran.
2. (Corresponding Author), Assistant Professor, Department of Counseling, Faculty of Psychology and Education, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran. S_shariatmadar@yahoo.com
3. Assistant Professor, Department of Counseling, Faculty of Psychology and Education, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran.

ABSTRACT

The article is taken from the master's thesis

Received: 30/11/1399 - Accepted: 28/03/1401

Aim: The aim of this study was to identify the dimensions of the experiences of spouse selection in divorce-seeking individuals. **Methods:** The present study was conducted with a qualitative approach and phenomenological design. The participants consisted of 10 divorce-seeking individuals, whom were referred with their spouse to the family court of Dezful to file for divorce. Semi-structured interviews were used to collect data. Data were analyzed using the seven-step Colaizzi method. **Results:** The results showed that the process of dating in divorce-seeking individuals lies in the two ends of the dating continuum: unconventional and deconstructive or completely traditional and without gradually getting to know each other. Also in divorce-seeking individuals, ignorance, forced marriage or marriage based on emotional criteria, benefits and materialities, caused the criteria to be disregarded, or the criteria did not match the potential future spouse. As a result, the process of determining the criteria was taken lightly. **Conclusion:** If the process of dating and determining the criteria is taken lightly or without awareness and self-determination (freedom), marriage, whether traditional or non-traditional, is more likely to lead to a decision to separate.

Keywords: Stable marriage, successful marriage, spouse selection, spouse selection strategies, spouse selection criteria



تجربه‌ی انتخاب همسر افراد متقاضی طلاق

بهناز حاتمی کیا^۱، آسیه شریعتمدار^۲، ابراهیم نعیمی^۳

۱. کارشناسی ارشد مشاوره خانواده، گروه مشاوره، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.
۲. نویسنده‌ی مسئول، دکترای مشاوره، استادیار مشاوره، گروه مشاوره، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران. S_shariatmadar@yahoo.com
۳. دکترای مشاوره، استادیار مشاوره، گروه مشاوره، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران. (صفحات ۲۲-۵۶)

چکیده

مقاله برگرفته از پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد است

هدف: هدف این مطالعه، شناسایی ابعاد تجربه‌ی انتخاب همسر در افراد متقاضی طلاق بود.
روش: پژوهش حاضر با رویکرد کیفی و روش پدیدارشناسی انجام شده است. میدان پژوهش شامل ۱۰ نفر از افراد متقاضی طلاق بود که به همراه همسر خود جهت انجام مراحل طلاق به دادگاه خانواده‌ی شهرستان دزفول مراجعه کرده بودند. جهت جمع‌آوری داده‌ها، از مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته استفاده شد. داده‌ها با استفاده از روش هفت‌مرحله‌ای کلایزی تجزیه و تحلیل شد. **یافته‌ها:** نتایج نشان داد، فرایند آشنایی افراد متقاضی طلاق با همسر خود در دو سرپیوستار آشنایی یا به صورت خارج از عرف و ساختارشکنانه یا به صورت کاملاً سنتی و بدون طی تدریجی مراحل آشنایی، صورت گرفته بود. همچنین در افراد مصاحبه‌شده، عوامل ناآگاهی، ازدواج اجباری یا ازدواج بر پایه ملاک‌های احساسی، مزایا و مادیات، موجب بی‌توجهی به ملاک‌ها، یا عدم تطبیق ملاک‌ها با همسر بالقوه‌ی آینده شده بود. در نتیجه فرایند تعیین و بررسی ملاک‌ها با سهل‌انگاری صورت پذیرفته بود. **نتیجه‌گیری:** در صورتی که فرایند آشنایی و بررسی ملاک‌ها به صورت سهل‌انگارانه یا بدون آگاهی و آزادی انجام گیرد، ازدواج چه به شکل سنتی و چه به شکل غیرسنتی احتمال دارد به تصمیم به جدایی منجر شود.

واژه‌های کلیدی: ازدواج پایدار، ازدواج موفق، انتخاب همسر، راهبرد همسرگزینی، ملاک‌های همسرگزینی

مقدمه

انتخاب همسر از اساسی‌ترین کنش‌های انسانی در عرصه خانواده طی زیست جمعی هزاران سالانه بوده است. این کنش‌ها همواره با الهام از سلايق فردی، پیشینه‌های قومیتی، فرهنگی و مذهبی برای تعیین شخصی بوده که در آینده نقش اساسی در زندگی آن‌ها داشته است. اولین مرحله در ازدواج، انتخاب همسرمی باشد و گزینش همسریکی از مهم‌ترین مراحل زندگی هر فرد است چراکه بخشی از موفقیت ازدواج، به انتخاب درست همسرتوسط افراد بستگی دارد (میلر^۱، ۲۰۲۱؛ بویس، وود و فرگوسن^۲، ۲۰۱۶) و تصمیمی است که تمام جنبه‌های زندگی یک فرد را تحت تأثیر قرار خواهد داد که این تأثیرگذاری می‌تواند در جهت مثبت یا منفی باشد؛ به همین دلیل می‌بایست به تجارب مرتبط با انتخاب همسرتوجه شود (ثنایی، علاقبند، فلاحتی و همکاران، ۱۳۹۶). انسان در هرانتخاب، خواسته یا ناخواسته، ملاک‌هایی را مبنا قرار می‌دهد اما هر میزان ملاک‌های افراد برای انتخاب همسر و شیوه آشنایی آنان با یکدیگر واقع‌بینانه‌تر باشند، ازدواج موفق‌تری خواهند داشت (جان بزرگی، ۱۳۹۷). امروزه همسرگزینی جوانان یکی از چالش‌های اصلی جوامع بزرگ قلمداد می‌شود. بسیاری از جوانان در معیارها و شیوه‌هایی که در انتخاب همسر وجود دارد دچار تردیدند. دختران و پسران کنونی مثل دوران گذشته نمی‌توانند همسر خود را ندیده و شناخته انتخاب نمایند.

بر اساس نظریه نلسون^۳ (۲۰۰۸)، آمادگی ازدواج در سه مرحله به دست می‌آید: ۱. پیش عشق‌ورزی یا قبل از دوران نامزدی (آمادگی فرد به صورت رشد شخصی از طریق یادگیری مدل ازدواج والدین، یادگیری از روابط عاشقانه و تربیت دینی) ۲. عشق‌ورزی (آماده‌سازی رابطه برای یک انتخاب نهایی صحیح از طریق آشنا شدن، تبادل اطلاعات با هم، هم‌خانگی و حل چالش‌ها) ۳. نامزدی (هدفمند شدن تعاملات). برخی از

1. Miller, P. E

2. Boyce, C. J., Wood, A. M., Ferguson, E

3. Nelson, H. A

پژوهش‌ها به بررسی تجارب زوج‌ها در دوران انتخاب همسر و آشنایی پرداخته‌اند. به عنوان نمونه، رستمی، نوابی نژاد و فرزاد (۱۳۹۸) به بررسی تجارب مشکل‌زای زوج‌های تازه ازدواج کرده ایرانی در مرحله انتخاب همسر و نامزدی پرداخته‌اند و نتایج پژوهش آنان حاکی از آن بوده است که زوج‌ها مسائلی همچون عدم درک متقابل، عدم اصالت، ناتوانی در مدیریت تعارض، عدم شفافیت نقش‌ها، ناتوانی در مدیریت مرزها و حریم شخصی و تاثیرات منفی خانواده‌ها در بروز مشکلات را تجربه کرده‌اند. جعفریان و لباتی (۱۳۹۷) نیز در مطالعه‌ای به بررسی تجارب افراد در مورد انتخاب همسر در شهر اصفهان پرداختند. یافته‌های تحقیق آن‌ها نشان داد که اقتصادی‌اندیشی در انتخاب‌ها تعیین‌کننده اصلی است و ملاک‌های دینی و اخلاقی افول یافته و انتخاب برای کسب و ارتقای موقعیت‌های اجتماعی است؛ این پژوهش همچنین نشان‌دهنده‌ی آن است که ذهن جوانان واجد نوعی پارادوکس در شیوه انتخاب به سبک مدرن و سنتی شده، قدرت و نقش خانواده‌ها افول کرده و انتخاب‌ها سریع و صرفاً عاشقانه شده است.

برخی دیگر از مطالعات انجام شده به بررسی تجارب منفی زوج‌ها در دوران همسرگزینی و آشنایی پرداخته و نقش آن‌ها در ایجاد تعارضات زناشویی و قصد جدایی را مورد بررسی قرار داده‌اند. کلی، هاتسون و کیت^۱ (۱۹۸۵)، مارکمن، روئادس، استنلی و همکاران^۲ (۲۰۱۰)، ریجاوک کلوبوچار و سیمونیک^۳ (۲۰۱۸)، رحمتی و بهرامی نژاد^۴ (۲۰۱۸)، محسن زاده، نظری و عارفی (۱۳۹۰)، مشکئی، شاه قاسمی، دلشاد نوقابی و همکاران (۱۳۹۰) و شکر بیگی، احمدی و ابراهیم منش (۱۳۹۵) در مطالعات جداگانه خود دریافتند، روابط قبل از ازدواج اساس روابط آینده زوج‌ها را تشکیل می‌دهد و عوامل ایجادکننده مشکلات و تعارضات زناشویی، پیش از ازدواج وجود داشته‌اند. ازدواج با انگیزه‌های نامناسب، عدم ازدواج به دلیل عشق و علاقه، ملاک‌های نادرست در

1. Kelly, C., Huston, T. L., Cate, R. M

2. Markman, H. J., Rhoades, G. K., Stanley, S. M., Ragan, E. P., Whitton, S. W

3. Rijavec Klobučar, N., Simonič, B

4. Rahmati, A., Bahraminejad, H

انتخاب همسر، دوری گزیدن از خانواده نامطلوب پدری و ازدواج اجباری با ملاک‌های مدنظر خانواده، کم بودن فرصت آشنایی، سن کم در زمان ازدواج، چشم‌پوشی از عوامل خطر به دلیل بی‌تجربگی و یا فقط عاشق بودن در زمان آشنایی، بی‌توجهی به راهنمایی اعضای خانواده، بی‌توجهی به علائم نقص همسر بالقوه، باورها و پندارهای غیرواقعی از زندگی زناشویی، توهم یک همسر آرمانی، پندار غیرواقعی درباره ویژگی رویایی همسر آینده، شروع و ادامه رابطه با دروغ و پنهان کاری، نادیده گرفتن ظاهر همسر و دست کم گرفتن آن، اختلافات و خیانت در دوره آشنایی از جمله مسائلی بوده‌اند که زوج‌های متقاضی طلاق در دوره انتخاب همسر و آشنایی با طرف مقابل تجربه کرده‌اند.

برومفیلد، آشور و رایدر^۱ (۲۰۱۶) در کشور امارات در پژوهشی به مطالعه تجربیات زوج‌های مطلقه هنگام آشنایی، خواستگاری و ملچا (عقد در امارات) و پس از ازدواج در ازدواج‌های سنتی پرداختند. آن‌ها دریافتند همه ۲۱ شرکت‌کننده مطلقه، پیش از خواستگاری یکدیگر را نمی‌شناختند و این آشنایی توسط خانواده و بستگان شکل گرفته بود. شرکت‌کنندگان در تحقیق معتقد بودند که نباید به حرف نزدیکان اعتماد کرد و باید تحقیقات بیشتری صورت گیرد. مردان قبل از ازدواج دغدغه کسب آشنایی را در طول فرایند انتخاب همسر را نداشتند. همچنین سیف‌زاده و قنبری برزبان (۱۳۹۲) و جعفریان و لبافی (۱۳۹۷) در پژوهش‌های جداگانه‌ای دریافتند که زوج‌های متقاضی طلاق در زمان ازدواج مشورت افراطی با والدین داشته‌اند. برطبق یافته پژوهش داودی، فاتحی‌زاده، احمدی و همکاران (۱۳۹۸)، زوج‌هایی که زندگی‌شان به جدایی ختم شده بود اغلب دخالت بی‌جای والدین در امر تصمیم‌گیری‌شان برای ازدواج را تجربه کرده بودند.

شیوه‌های همسرگزینی و تجارب مرتبط با انتخاب همسر و فرایند آشنایی سنگ‌بنای ازدواج بوده و کیفیت آن‌ها می‌تواند در موفقیت و شکست زندگی زناشویی نقش مهمی

داشته باشد. بنابراین، تعمیق دانش در حوزه‌ی این تجارب اهمیت قابل ملاحظه‌ای دارد. متخصصان نیز بر این باورند که بسیاری از مشکلات و اختلالات زن و شوهری ناشی از شتاب زندگی و عدم انجام تحقیقات دقیق در مرحله‌ی گزینش، ضعف مجاری اطلاع‌رسانی و اعتماد بی‌مورد به اظهارنظرهای واسطه‌ها و اطرافیان، جدی نگرفتن برخی نقاط ضعف مهم یا توجیه آن‌ها، بزرگ‌نمایی برخی ویژگی‌های غیرمهم، کم‌توجهی به اوصاف بایسته، فریب‌کاری و اغفال آگاهانه و دل‌دادگی و شیفستگی نامعقول نشات می‌گیرد (مسعودی نیا، بانکی پور فرد و قلی‌زاده، ۱۳۹۴). با توجه به موارد ذکرشده، کمتر پژوهش‌جامع داخلی به بررسی ادراک افراد متقاضی طلاق از تجارب انتخاب همسر و آشنایی با طرف مقابل پرداخته است و اغلب مطالعات یا خارجی و نامتناسب با فرهنگ ایرانی بوده‌اند و یا صرفاً به ابعاد محدود و خاصی از تجربه انتخاب همسر در متقاضیان طلاق پرداخته‌اند؛ لذا هدف پژوهش حاضر شناسایی ابعاد تجربه‌ی انتخاب همسر افرادی است که به همراه همسر خود در حال اقدام برای جدایی بودند.

روش پژوهش

از آنجاکه جهت شناسایی ابعاد تجربه‌ی انتخاب همسر نیاز به ورود به جهان پدیداری اطلاع‌دهندگان و بررسی ادراک مستقیم آنان از پدیده دارد، پژوهش حاضر با رویکرد کیفی و روش پدیدارشناسی توصیفی انجام شده است. جامعه‌ی مورد مطالعه دربرگیرنده افراد متقاضی طلاق شهرستان دزفول بود. نمونه‌ی پژوهش شامل ۱۰ فرد متقاضی طلاق بود که به همراه همسر خود برای انجام مراحل طلاق به دادگاه خانواده‌ی شماره‌ی سوم شهرستان دزفول مراجعه کرده بودند. مشارکت‌کنندگان از طریق نمونه‌گیری هدفمند ملاکی و با در نظرگیری اصل اشباع انتخاب شدند. ملاک‌های ورود به پژوهش عبارت بودند از: ۱. حضور داوطلبانه در مطالعه و ارائه‌ی رضایت آگاهانه ۲. حداقل شش ماه از زندگی مشترک با همسر گذشته باشد ۳. فرد و همسرش در زمان انجام پژوهش در دادگاه خانواده‌ی شماره‌ی سوم شهرستان دزفول در حال پیگیری فرایند

جدایی باشند.

ابتدا ضمن کسب مجوزهای لازم و هماهنگی با مسئولان مربوطه، به دادگاه خانواده شماره سوم شهرستان دزفول مراجعه شد. با زوج‌هایی که جهت پیگیری امور دادخواست طلاق خود مراجعه کرده بودند به صورت حضوری گفت‌وگو شده و ضمن بیان هدف تحقیق، از یکی از طرفین (زن یا شوهر) که ملاک‌های ورود به مطالعه را احراز می‌کردند دعوت به عمل آمد تا به صورت داوطلبانه در پژوهش مشارکت کنند. جهت جمع‌آوری داده‌ها، از مصاحبه نیمه ساختاریافته استفاده شد. سؤالات مصاحبه عبارت بودند از: «چه انگیزه‌هایی برای ازدواج داشتید؟»، «همسر خود را چگونه انتخاب کردید؟»، «ملاک‌هایتان برای ازدواج را چگونه در فرایند همسرگزینی در نظر گرفتید؟»، «در زمان انتخاب همسر و آشنایی چه چالش‌هایی داشتید؟»، «نقش خانواده و دیگران در همسرگزینی شما چگونه بود؟»، «دوران آشنایی و نامزدی شما چطور سپری شد؟»، «نقش خانواده در فرایند آشنایی شما چگونه بود؟».

مصاحبه‌ها در روز مراجعه‌ی زوج‌ها به دادگاه و بلافاصله پس از انجام امور دادگاهی آنان و به صورت حضوری و رودررو در یک اتاق خلوت در همان دادگاه خانواده و با یکی از زوج‌هایی که تمایل بیشتری برای شرکت در مصاحبه داشتند انجام گرفت. هر مصاحبه تقریباً ۳۰ تا ۴۵ دقیقه به طول انجامید و با اجازه مشارکت‌کنندگان ضبط صوتی شده و سپس به صورت کلمه به کلمه پیاده‌سازی شد. قابل ذکر است که مصاحبه‌ها توسط یک خانم دانشجوی کارشناسی ارشد رشته مشاوره خانواده انجام گرفت و جمع‌آوری داده‌ها در شهریورماه ۱۳۹۸ آغاز شده و در آبان‌ماه ۱۳۹۸ پایان یافت.

مشارکت‌کنندگان در پژوهش با رضایت آگاهانه وارد پژوهش شدند. در رابطه با محرمانه بودن داده‌ها به مصاحبه‌شوندگان اطمینان خاطر داده شد که یافته‌های مطالعه بدون ذکر نام و یا ویژگی‌هایی که بیانگر هویت آن‌ها است به انتشار خواهد رسید. مصاحبه‌ها با کسب اجازه از مصاحبه‌شوندگان ضبط صوتی شدند. مصاحبه‌شوندگان

در هر مرحله از پژوهش بدون آنکه پیامدی برای آن‌ها داشته باشد، اختیار خروج از مطالعه را داشتند. جهت تحلیل داده‌ها از روش تحلیل هفت مرحله‌ای کلایزی^۱ استفاده گردید. براساس روش پدیدارشناسی توصیفی کلایزی، داده‌های استخراج شده از مصاحبه‌ها، کدگذاری می‌شوند و توصیف، تفسیر و تحلیل و در نهایت نتیجه‌گیری به عمل می‌آید.

یافته‌ها

جدول ۱ ویژگی‌های جمعیت‌شناختی مشارکت‌کنندگان در پژوهش را نشان می‌دهد.

جدول ۱. ویژگی‌های جمعیت‌شناختی مشارکت‌کنندگان

شماره	جنسیت	سنوات ازدواج	سن مرد (زمان حال)	سن زن (زمان حال)	سن دختر (زمان ازدواج)	سن پسر (زمان ازدواج)	متوسط مجموع درآمد زوج (تومان)	تعداد فرزند	مسکن در زمان ازدواج
۱	مرد	۶	۲۹	۲۳	۱۷	۲۴	۳۵۰۰۰۰۰	۰	شخصی
۲	مرد	۱	۳۳	۲۹	۲۸	۳۲	۵۰۰۰۰۰۰	۰	شخصی
۳	زن	۶/۵	۳۳/۵	۲۷/۵	۲۱	۲۷	۱۸۰۰۰۰۰	۲	شخصی
۴	زن	۱	۲۹	۲۶	۲۵	۲۸	۳۰۰۰۰۰۰	۰	استیجاری
۵	زن	۰/۵	۲۳/۵	۲۴/۵	۲۴	۲۳	۰	۰	استیجاری
۶	زن	۳/۸	۳۶/۸	۲۸/۸	۲۴	۳۳	۰	۰	شخصی
۷	زن	۲	۲۹	۲۴	۲۲	۲۷	۵۵۰۰۰۰۰	۱	استیجاری
۸	زن	۱	۳۱	۲۷	۲۶	۳۰	۱۰۰۰۰۰۰۰	۰	شخصی
۹	زن	۳/۵	۲۵/۵	۲۱/۵	۱۸	۲۲	۰	۰	شخصی
۱۰	زن	۴	۲۶	۱۸	۱۴	۲۲	۲۵۰۰۰۰۰	۰	استیجاری
-	میانگین	۲/۹۳	۲۹/۶۳	۲۴/۹۳	۲۱/۹	۲۶/۸	۳۱۳۰۰۰۰	۰/۳	-

نتایج حاصل از تحلیل داده‌ها در جدول ۲ آمده است. قابل ذکر است که در فرایند

کدگذاری داده‌ها، ابتدا به نشانه‌های موجود در متن مصاحبه‌ها، که بیانگر تجربه‌ای از تجارب دوران انتخاب همسر و آشنایی بودند، برچسب‌های مفهومی زده شد (مضامین فرعی). سپس، مضامین فرعی که می‌توانستند زیرمجموعه یک مفهوم کلی ترقرار بگیرند به تناسب دسته‌بندی شدند (مضامین اصلی). در نهایت با توجه به مضامین اصلی، دو مضمون هسته‌ای جهت توصیفی کلی از پدیده‌ی انتخاب همسر افراد متقاضی طلاق ارائه شد.

جدول ۲. نتایج حاصل از تحلیل تجربه‌ی انتخاب همسر افراد متقاضی طلاق

مضامین هسته‌ای	مضامین اصلی	مضامین فرعی
فرایند آشنایی افراد متقاضی طلاق با همسر خود در دو سر پیوستار آشنایی خارج از عرف و ساختار شکنانه تا کاملاً سنتی و بدون مراحل آشنایی و دارای کیفیت پایین بوده است.	انتخاب همسر به شکل غیرمتعارف	آشنایی در فضای مجازی بدون دیدار؛ دوستی و فرار از خانه؛ خواستگاری از ناحیه خانواده دختر
		اختلاف و تنش خانوادگی؛ تفاوت سطح اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی خانواده‌ها؛ زندانی کردن فرزند در منزل؛ پافشاری خانواده پسر به پذیرش خواستگاری از جانب دختر؛ رضایت پدر و مادر با اصرار و فشار؛ قطع ارتباط خانواده با دختر در پی فرار از خانه؛ وابستگی فکری و عاطفی به والدین؛ دخالت و کنترل والدین در انتخاب فرزندان؛ بی‌توجهی خانواده به مخالفت دختر پیش از عقد برای حفظ ابرو؛ مخالفت بدون توضیح پدر؛ عدم همسویی نظر والدین در انتخاب همسر فرزند؛ عدم در نظرگیری آزادی انتخاب همسر از سوی والدین؛ عدم موافقت والدین؛ نارضایتی و عدم حضور خانواده پسر؛ اجبار پدر؛ خواستگاری پدر برای پسر بدون اطلاع خانواده؛ سهل‌انگاری خانواده دختر
	زمان بسیار کوتاه یا طولانی مدت آشنایی تا ازدواج	انتخاب، نامزدی و عروسی سریع و عدم آشنایی؛ مدت نامزدی یا عقد طولانی؛ نداشتن دوره نامزدی؛ طی نکردن دوره آشنایی و نامزدی به دلیل شناخت فامیلی؛ مخفیانه بودن نامزدی برای عدم آگاهی خواستگاران دیگر؛ طولانی شدن مدت نامزدی به دلیل سربازی پسر، تحصیل دختر یا

مضامین فرعی	مضامین اصلی	مضامین هسته‌ای
شرایط اقتصادی		
دیدار یا دوستی پنهانی از خانواده؛ فرار دختر از منزل؛ تهدید به خودکشی (به‌عنوان راهبرد همسرگزینی)؛ ورود پلیس به ماجرا و زندانی شدن؛ دوستی‌های متعدد برای فراموشی یک رابطه شکست خورده؛ رابطه پنهانی بدون اطلاع پدر خانواده نامزدی مخفی	پنهان‌کاری و ساختارشکنی در روابط اولیه	
درگیری احساسی اولیه؛ فقدان علاقه، سردی رفتارها و اختلافات؛ عدم صداقت در دوران آشنایی (بهرتر نشان دادن خود)؛ تهدید به نه گفتن پیش از عقد یا طلاق (پیش از عروسی)؛ بی‌توجهی به پشیمانی قبل از عقد؛ طلاق در دوره عقد و ازدواج مجدد بدون تغییر شرایط	کیفیت رابطه در دوره‌ی آشنایی تا ازدواج	
دریافت محبت و توجه؛ خلأ تنهایی؛ ازدواج دلسوزانه؛ تشویق دوستان؛ فرار از جو متشنج خانه؛ سرگرمی؛ وابستگی عاطفی؛ نگرانی به خاطر ازدواج خواهر کوچک‌تر (نگرانی فرهنگی)؛ مهاجرت؛ حفظ آبروی خانوادگی (به دلیل رابطه جنسی)؛ فراموشی رابطه قبلی؛ منافع مالی؛ تغییر در زندگی؛ ترس از ازدواج با خواستگار دلخواه پدر؛ امید نداشتن به آمدن خواستگار مناسب؛ ازدواج با انگیزه گرفتن جشن عروسی	انگیزه‌ی اولیه‌ی آشنایی نامرتب با اهداف اصلی ازدواج	
سن کم؛ عدم خودشناسی؛ رابطه جدید بلافاصله بعد جدایی	عدم آمادگی برای ازدواج	
رابطه زناشویی در دوران عقد با وجود مخالفت دختر؛ مشکلات جنسی پسر در دوران عقد	مشکلات در روابط زناشویی	
باور به ایجاد علاقه خودبه‌خودی پس از عقد؛ باور به تغییر دیگری پس از ازدواج	باورهای مرتبط با ازدواج	
وجود هم‌زمان خواستگارهای پروپاقرص؛ همراه شدن تصمیم به ازدواج با فقدان و فشار؛ اصرار و تأکید اقوام برای پذیرش خواستگار	وجود فشار هم‌زمان با آشنایی	
بی‌توجهی به ملاک‌ها و ویژگی‌های منفی؛ تعیین ملاک‌ها	بی‌توجهی به ناآگاهی، ازدواج اجباری،	

مضامین فرعی	مضامین اصلی	مضامین هسته‌ای
به صورت احساسی؛ اعتماد به سخن نزدیکان و انطباق ملاک‌ها با سخن نزدیکان نه شخص انتخابی؛ عدم واقع‌گرایی در بررسی ملاک‌ها؛ عدم صرف وقت برای بررسی هماهنگی طرف مقابل با ملاک‌ها؛ تأکید بر برخی ملاک‌ها و نادیده گرفتن سایر ملاک‌های مهم؛ نادیده گرفتن نشانه‌های تعارض به دلیل عشق و علاقه؛ سنتی نبودن ازدواج و عاشق شدن به عنوان ملاک همسرگزینی؛ آشنایی بدون ملاک؛ ملاک‌های کمال‌گرایانه؛ بی‌توجهی به تردید خود در مورد برخورداری از ملاک مورد نظر همسر	فرایند تعیین ملاک	احساسی و منفعتی موجب بی‌توجهی به، یا عدم تطبیق ملاک‌ها با خواستگار یا همسر بالقوه و در نتیجه سهل‌انگاری نسبت به فرایند بررسی ملاک‌ها می‌شود.

در مجموع، تحلیل داده‌های حاصل از مصاحبه ۸ زن و ۲ مرد متقاضی طلاق در ارتباط با تجربه‌ی آن‌ها درباره‌ی انتخاب همسر خود، موجب استخراج دو مضمون هسته‌ای و ۱۱ مضمون اصلی گردید که در ادامه، ضمن ذکر نمونه‌هایی از عبارات مصاحبه‌شوندگان، به توصیف این مضامین پرداخته شده است.

اولین مضمون هسته‌ای عبارت است از «فرایند آشنایی افراد متقاضی طلاق در دو سر پیوستار آشنایی خارج از عرف و ساختارشکنانه تا کاملاً سنتی و بدون مراحل آشنایی و دارای کیفیت پایین بوده است». این مضمون هسته‌ای شامل ۱۰ مضمون اصلی از جمله: انتخاب همسر به شکل غیرمتعارف، نقش و موضع‌گیری چالشی خانواده‌ها در دوره شکل‌گیری پیوند، زمان بسیار کوتاه یا طولانی مدت طی مراحل آشنایی تا ازدواج، پنهان‌کاری و ساختارشکنی در روابط اولیه، کیفیت رابطه در دوره آشنایی تا ازدواج، انگیزه اولیه آشنایی نامرتبط با اهداف اصلی ازدواج، عدم آمادگی برای ازدواج، مشکلات در روابط زناشویی، باورهای مرتبط با ازدواج، وجود فشار همزمان با آشنایی است.

مضمون اصلی اول در ارتباط با انتخاب همسر به شیوه‌ی غیرمتعارف است. منظور از این مضمون انجام آشنایی در قالبی خارج از عرف جامعه است همچون آشنایی در فضای مجازی بدون دیدار حضوری و یا خواستگاری از سمت دختر که خیلی متعارف

نیست. به عنوان نمونه، خانم شماره ۴ اظهار داشت: «هر بار بهش گفتم بیا همدیگه رو ببینیم ظفره می رفت بیشتر توی واتس آپ باهم حرف می زدیم، آشناییمون مجازی بود». مضمون اصلی دوم نقش و موضع گیری چالشی خانواده‌ها در دوره شکل گیری پیوند زوج است. منظور از این مضمون مواضع، تاثیرات و نقش هایی است که خانواده و والدین در موضوع انتخاب همسر و فرایند آشنایی فرزند خود داشته اند. تفاوت سطح اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی خانواده‌ها، دخالت‌ها، اجبارها و پافشاری های والدین در فرایند انتخاب و آشنایی از جمله این موارد است. به عنوان نمونه، آقای شماره ۲ اظهار داشت: «واسه خرید عروسی دخترشون هر چی می خرید می رفت خونه می گفت زشته نمی خوامش، می گفت مادرم و خالم گفتن زشته و برو عوضش کن. خانوادش خیلی دخالت می کردن».

مضمون اصلی سوم زمان بسیار کوتاه یا طولانی مدت طی مراحل آشنایی تا ازدواج بود. منظور از این مضمون متعادل نبودن مدت زمان آشنایی است؛ گاهی کل مراحل خیلی سریع انجام می گیرد که منجر به شناخت ناقص از یکدیگر می شود و گاهی به دلایلی همچون سربازی، تحصیل یا امور اقتصادی این فرایند بیش از حد طولانی می شود و تعارض ایجاد می کند. برای نمونه، خانم شماره ۶ اشاره کرد: «نامزدیمون چهار سال طول کشید چون شوهرم می خواست بره سربازی و من می خواستم درس بخونم کنکور قبول شم»؛ همچنین خانم شماره ۱۰ اظهار کرد: «اصلاً به اینش که ببینم کیه فکر نکرده بودم کلاً دوره نامزدی نداشتیم». مضمون اصلی چهارم مربوط به پنهان کاری و ساختارشکنی در روابط اولیه است. منظور از این مضمون انجام امور غیربالغانه‌ای همچون دوستی های پنهانی و فرار دختر از منزل جهت ازدواج با پسر است. به عنوان مثال، خانم شماره ۵ اشاره داشت: «می خواستیم پنهانی هم خونه بشیم و فعلاً ازدواج نکنیم تا آشنا بشیم».

مضمون اصلی پنجم مرتبط با کیفیت رابطه در دوره‌ی آشنایی تا ازدواج است. منظور

از این مضمون مسائل مرتبط با روابط متقابل همچون فقدان علاقه یا وجود اختلافات و تعارضات است. در این زمینه، خانم شماره ۶ اظهار کرد: «توماشین باهاش قهر بودم و با عصبانیت بهش گفتم الان که برسیم خونه موقع خوندن خطبه بهت نه میگم». مضمون اصلی ششم در ارتباط با انگیزه اولیه آشنایی نامرتبط با اهداف اصلی ازدواج است. این مضمون اشاره به دلایل غیرمنطقی برای ازدواج کردن دارد از جمله پرکردن خلأ تنهایی، دلسوزی برای فرد مقابل، فرار از جو متشنج خانه، مهاجرت و فراموش کردن رابطه قبلی. به عنوان نمونه، آقای شماره ۲ ذکر کرد: «دلم برای دخترخاله سوخت گفتم بدبخت نشه باباش می‌خواست شوهرش بده به یکی که می‌دونستم دختربازه»؛ همچنین، خانم شماره ۸ گفت: «خواستم فقط ازدواج کنم و فکر و حید رو از سرم بندازم خسته شده بودم از رابطه‌های پوچ و توخالی».

مضمون اصلی هفتم عدم آمادگی برای ازدواج است. منظور از این مضمون آماده نبودن از نظر رشدی، شناختی و عاطفی برای ورود به زندگی زناشویی است. در این رابطه، آقای شماره ۱ اشاره کرد: «منم تو اون زمان سنی نداشتم و اصلاً آمادگی اینکه یه زندگی تشکیل بدم نداشتم». مضمون اصلی هشتم مشکلات در روابط زناشویی بود. این مضمون دلالت بر مسائل مرتبط با رابطه جنسی از جمله برقراری رابطه زناشویی در دوران عقد با وجود مخالفت دختر و وجود مشکلات جنسی در پسر در دوران عقد دارد. در رابطه با این مضمون خانم شماره ۹ بیان داشت: «برگشت بهم گفت نتونستم تنهات بذارم کلی حرفای عاشقانه زد و معاشقه کردیم بهش گفتم من دلم نمی‌خواد قبل از عروسی رابطه داشته باشم اونم قول داد بهم که اصلاً نگران نباش و اینا ولی یهوشد آنچه نباید منم با وجود اینکه نمی‌خواستمش باید باهاش ازدواج می‌کردم».

مضمون اصلی نهم، باورهای مرتبط با ازدواج است. این مضمون دلالت بر وجود باورهای غیرمنطقی در طرفین دارد از جمله باور به ایجاد علاقه خودبه‌خودی پس از عقد یا باور به تغییر دیگری پس از ازدواج. در رابطه با این مضمون خانم شماره ۴ اشاره کرد:

«اعتراف می‌کنم که فکر می‌کردم بعد ازدواج بتونم کلاً عقایدشو عوض کنم که نتونستم». مضمون اصلی دهم وجود فشار همزمان با آشنایی است. منظور از این مضمون عدم تمرکز در زمان آشنایی به واسطه وجود فشارهای بیرونی است؛ مثلاً وجود هم‌زمان خواستگارهای پروپاقرص. خانم شماره ۷ اظهار کرد: «این مابین پسرعمه‌ام هم مدام پیغام می‌فرستاد می‌خوام باهات ازدواج کنم. خلاصه فهمیدم خواستگارم فقط اون نیست، پسرعمه‌ام رسماً خواستگاری کرده بود، همسایه‌مون هم، تویه دوران زجرآوری بودم، می‌خواستم همه چیز تموم بشه».

دومین مضمون هسته‌ای عبارت است از: «در افراد متقاضی طلاق، عوامل ناآگاهی، ازدواج اجباری یا ازدواج بر پایه ملاک‌های احساسی، مزایا و مادیات، موجب بی‌توجهی به ملاک‌ها، یا عدم تطبیق ملاک‌ها با خواستگار یا همسر بالقوه آینده می‌شود؛ در نتیجه فرایند تعیین و بررسی ملاک‌ها با سهل‌انگاری صورت پذیرفته بود»؛ این مضمون هسته‌ای دارای یک مضمون اصلی است: بی‌توجهی به فرایند تعیین ملاک‌ها. منظور از این مضمون اصلی سهل‌انگاری در مورد تعیین ملاک‌های همسرگزینی یا جدی نگرفتن ملاک‌های خود در زمان انتخاب است. به عنوان مثال، خانم شماره ۱۰ اظهار کرد: «هیچ معیاری نداشتم بهشم فکر نکرده بودم. خانم شماره ۸ نیز اشاره داشت: «ملاکم فقط به چیز بود همه چی خیلی سریع پیش اومد فرصت فکر کردن به ملاک‌هامون نداشتم».

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف شناسایی ابعاد تجربه انتخاب همسر افراد متقاضی طلاق صورت گرفت. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد، آشنایی به شکل غیرمتمعارف در فرهنگ دزفول در متقاضیان طلاق وجود داشته است. برای مثال درخواست اولیه برای آشنایی از جانب دختر صورت گرفته بود و حتی با وجود طرد و قطع ارتباط از جانب پسر، درخواست مجدد از ناحیه دختر انجام شد. در تبیین این موضوع می‌توان گفت در این مورد، نوعی عشق مانیایی مشاهده می‌شود. عشق مانیایی، نوعی عشق افراطی، انحصارطلبانه و

هیجانی است. براساس نظریه‌ی عشق لی^۱ عشق رفتاری آموخته شده است که شیوه دوست داشتن افراد مختلف را تعیین می‌کند. از عوامل تأثیرگذار بر سبک عشق‌ورزی افراد، سبک دلبستگی آن‌ها است؛ در واقع می‌توان گفت عشق، یک فرایند دلبستگی است (پورمحسنی کلوری، ۱۳۹۵). طبق نتایج پژوهش مصطفائی و پیوسته‌گر (۱۳۹۵) بین سبک مانیا و دلبستگی ناایمن رابطه وجود دارد. در سبک مانیا، نوعی از عشق تملک‌گرایانه و مضطربانه تجربه می‌شود و فرد نیاز شدید به توجه و محبت و اطمینان یافتن از عدم طردشدن از جانب طرف مقابل را دارد. سبک دلبستگی ناایمن - اضطرابی در این نوع سبک عشق‌ورزی مشاهده می‌شود. به همین دلیل فرد، ترس از دست دادن معشوق را دارد و همواره در پی آن است تا او را برای خود حفظ کند؛ بنابراین، وجود چنین الگویی در روابط بعدی زوج‌ها اختلال ایجاد کرده موجب پیشروی آن‌ها به سمت طلاق می‌گردد. از دیگر موارد مغایر با عرف فرهنگ شهرستان مورد پژوهش، فرار دختر خانواده به تهران و هم‌خانگی با طرف مقابل بود. فرار دختر از منزل به نوعی جدایی از خانواده و امتزاج محسوب می‌شود. این مسئله نشان‌دهنده عدم تمایز یافتگی دختر و پسر و ناپختگی آن‌ها برای ازدواج است؛ همچنین فرار از منزل و هم‌خانگی با توجه به بافت فرهنگی حاکم در جامعه ناپسند تلقی می‌شود؛ بنابراین دختر یا پسر با استفاده از اهرم فشار حفظ آبرو، خانواده را وادار به پذیرش شخص انتخابی می‌کنند.

از دیگر آشنایی‌های غیرمعارفی در بافت فرهنگی دزفول آشنایی از جانب خانواده دختر است. در این شیوه، خانواده دختر بدون توجه به خانواده پسر و با هماهنگی پسر، اسباب آشنایی و ازدواج را با دختر خانواده فراهم آورده بودند و به نقش خانواده پسر بی‌توجه بودند. نتایج پژوهش حاضر با پژوهش جعفریان و لبافی (۱۳۹۷) و پژوهش سیف‌زاده و قنبری برزبان (۱۳۹۲) همسواست. آن‌ها دریافتند که بین میزان مشورت با والدین در هنگام ازدواج و میزان گرایش به طلاق رابطه وجود دارد. در این نوع آشنایی،

1. Lee's theory of love

گسلش هیجانی بوئن در مورد پسر دریافت می‌شود. افرادی که متوسل به گسلش عاطفی برای حل وابستگی خود به والدین می‌شوند، بعد از ازدواج احتمالاً با همسرشان آمیختگی پیدا می‌کنند. این آمیختگی پس از ازدواج، می‌تواند بین زن و شوهر تعارض ایجاد کند. هرچه گسلش با والدین شدت بیشتری داشته باشد، امکان تکرار همان الگو در روابط آینده وجود دارد (اسمعیلی، ۱۳۹۴). همچنین نادیده گرفتن نقش خانواده پسر از جانب خانواده دختر و تصمیم یک جانبه برای رابطه، به نوعی نادیده گرفتن نقش شبکه خویشاوندی مؤثر بر روابط زوج است. بر طبق نظریه‌ی شبکه‌ای، الگوهای پیوند اقوام و اطرافیان زوج‌ها، می‌تواند رابطه آن‌ها را دچار اختلال و فروپاشی کند (سگالن، ۱۹۴۰، الیاسی، ۱۳۸۷). گاهی افراد برای رفع مشکل دل‌بستگی خود به والدین، گسلش هیجانی را برمی‌گزینند. گسلش هیجانی به نوعی مجزاسازی مسائل خود از خانواده چه به صورت ذهنی و چه به صورت جسمانی است؛ بنابراین نادیده گرفتن نقش خانواده در امر ازدواج، می‌تواند مرتبط با گسلش هیجانی باشد. با توجه به دیدگاه سیستمی، هویت افراد به شکل مستقل از سیستمی که در آن رشد یافته است، کامل نمی‌شود. بدین معنا که من کاملاً مستقل از سیستم اولیه امکان پذیر نیست. من، تجلی خانواده‌ی اولیه‌ی فرد است (ثنایی، ۱۳۷۸)؛ بنابراین شناخت خانواده شخص انتخابی، می‌تواند اطلاعات بسیاری در مورد خواستگار در اختیار انتخاب‌کننده قرار دهد و بالعکس نادیده گرفتن خانواده فرد مقابل، انتخاب‌کننده را در امر شناخت محدود می‌کند. طبق نتایج پژوهش رحمتی، فرحبخش، معتمدی و همکاران (۱۳۹۹) ارتباط‌سازی با خانواده مبدا پیش و پس از ازدواج موجب پایداری زندگی آن‌ها می‌شود.

از دیگر نتایج این پژوهش وجود روابط پنهانی بدون در نظر گرفتن نقش خانواده توسط متقاضیان طلاق بود که این امر موجب تنش خانواده با فرزند شده بود. این یافته با نتایج مطالعه‌ی بن‌جانین، مارشال و فرنزی^۱ (۲۰۱۴) که نشان دادند در خانواده‌های هندی

جمع‌گرایی مورد تأکید است و فردگرایی و پنهان‌کاری در زمینه روابط عشقی و ازدواج از سوی فرزندان پذیرفته نیست همخوان است. در مطالعه‌ی حاضر، در برخی از خانواده‌ها فرزندان درباره انتخاب همسر، نظری متفاوت با والدین خود داشتند. خانواده بر ازدواج تنظیمی تأکید می‌کرد، حال آنکه فرزندان ملاک‌هایی متفاوت با والدین خود داشتند و بر نقش عشق تأکید بیشتری کردند. بر طبق نظریه‌ی نظام‌ها، نظام در بیشتر موارد خواهان آن است تا خود را در محدوده‌های آشنا حفظ کند، حال آن که در خانواده‌هایی با کارکرد نامناسب، تقاضا برای حتی ضروری‌تری و یا عادی‌ترین تغییرات با افزایش انعطاف‌ناپذیری و جزمیت روبه‌رو می‌شود؛ چون خانواده اصرار دارد، قواعد آشنا را حفظ و از قواعد ناآشنا دوری کند. فرزندان خانواده ممکن است، ارزش‌ها، رسوم و هنجارهای خانواده را به چالش بکشند تا قواعد نانوشته را تغییر دهند (حاج‌حسینی، حسینی شهبانان و زندی^۱، ۲۰۱۴؛ گلدنبرگ و گلدنبرگ^۲، ۲۰۱۳، فیروزبخت، ۱۳۹۶). تداخل دو سبک ارزش و نگرش درباره نهاد خانواده و ازدواج و شیوه‌های همسرگزینی به همراه عدم انعطاف‌پذیری از ناحیه‌ی خانواده موجب می‌شود تا دختر و پسر رابطه خود را از والدین پنهان کنند و به شیوه‌ای متفاوت با ارزش‌های والدین رفتار کنند و فرایند آشنایی را به خوبی طی نکنند. این راهبرد همسرگزینی ممکن است با شکست روبه‌رو شود چراکه نظام انعطاف‌ناپذیر است و با روشن شدن ماجرا، نظام در مقابل این سبک از انتخاب همسر می‌ایستد. برخی از والدین تصور می‌کنند فرزندان‌شان قادر به تصمیم‌گیری درست نیستند و هنوز به مرحله‌ی تصمیم‌گیری صحیح نرسیده‌اند؛ بنابراین، برای فرزندان خود تصمیم می‌گیرند و به نوعی آن‌ها را کنترل می‌کنند؛ بنابراین دختر یا پسر برای رهایی از کنترل شدن و دریافت قدرت انتخاب و اختیار خود انگیزه بیشتری برای ازدواج با شخص انتخابی پیدا می‌کند؛ هرچند از انتخاب اشتباه خود آگاه باشد. در این شرایط تنش بین والدین و فرزندان شدت بیشتری پیدا می‌کند تا جایی که این تنش‌ها به روابط

1. Hajhosseini, M., Hosseini-Shabanan, S., Zandi, S.
2. Goldenberg, H., Goldenberg, I.

زناشویی فرزندان پس از ازدواج نیز کشیده می‌شود. از دیدگاه اکرم‌ن^۱ (۱۹۷۰)، به نقل از گلدنبرگ و گلدنبرگ، ۲۰۱۳، فیروزبخست، ۱۳۹۶، انعطاف‌پذیری و انطباق‌پذیری نقش‌های درون خانوادگی برای به ثبات رسیدن رفتار خانواده اهمیت دارد؛ به مرور زمان نقش‌های درون خانوادگی اعضا دچار تغییراتی می‌شود، بنابراین لازم است به فرزندان بالغ، قدرت اختیار و انتخاب داده شود.

از نتایج دیگر این پژوهش، پیامد منفی بلندمدت یا کوتاه‌مدت بودن زمان آشنایی بود. این یافته با نتایج مطالعه‌ی رحمتی و بهرامی‌نژاد (۲۰۲۰) مبنی بر تأثیر منفی کوتاه بودن دوران آشنایی بر تعارض زوج‌های همسواست. همزمانی انتخاب، نامزدی و عروسی با یکدیگر و سپری نکردن مدت زمانی برای هر مرحله، می‌تواند مشکلاتی را به دنبال داشته باشد. شناخت کافی، آگاهی از ملاک‌های خود و اهداف زندگی و قرار دادن زمان مناسب برای شناخت می‌تواند مقدمات یک ازدواج مستحکم را ایجاد کند (شهرابی فراهانی، فاتحی‌زاده و اعتمادی، ۱۳۹۷). بر اساس نظریه‌ی همسان‌همسری، همسانی خانوادگی، طبقه اجتماعی، اشتراک مذهبی، نزدیکی شخصیت‌ها و نزدیکی سن زوج‌ها می‌تواند، عامل آشنایی و تداوم ازدواج باشد. چنانچه زمان کافی برای شناخت وجود نداشته باشد، آن‌ها نمی‌توانند نقاط مشترک و متفاوت خود را پیدا کنند. گاهی شناخت تفاوت‌ها نیز می‌تواند سودمند باشد. آشنایی با تفاوت‌ها و پذیرش آن‌ها پیش از ازدواج مانع اختلافات بعدی پس از ازدواج می‌شود؛ چراکه افراد با آگاهی وارد رابطه می‌شوند. در دوره‌ی نامزدی افراد می‌توانند، خانواده، دوستان و شبکه خویشاوند طرف مقابل را بشناسند، نسبت به تطابق خود با آن‌ها درک مناسبی پیدا کنند، هم‌چنین رفتار و عقاید طرف مقابل را بررسی نمایند. از سوی دیگر، طولانی بودن مدت نامزدی و عقد نیز ممکن است موجب خستگی و دل‌سردی زوج‌ها گردد.

از دیگر نتایج به دست آمده، انگیزه‌ی اولیه‌ی آشنایی نامرتبط با اهداف اصلی ازدواج

بود؛ به عنوان نمونه، ازدواج با انگیزه فراموشی رابطه قبلی صورت گرفته بود و این موجب نادیده گرفتن ملاک‌های خود و عدم انطباق آن با طرف مقابل شده بود. پژوهشگران معتقدند فردی که دچار شکست در رابطه عشقی خود می‌شود، به طور طبیعی، برای طی کردن مراحل سوگ به شش ماه زمان نیاز دارد تا بر غم درونی‌اش فائق آید و خود را با شرایط جدید هماهنگ کند (تکلوی و رمضانی، ۱۳۸۹). از آنجا که در کشور ما، ماهیت تجربه‌ی شکست عاطفی، مورد پذیرش خانواده‌ها و اطرافیان نبوده و این تجربه را به عنوان اتفاق ناگوار و سوگ نمی‌پذیرند، در نتیجه از بین رفتن رابطه‌های رمانتیک، حمایت از ناحیه اطرافیان و خانواده دیده نمی‌شود و معمولاً فرایند سوگواری توسط خانواده و نزدیکان جدی در نظر گرفته نمی‌شود و گاهی خود فرد نیز با اجتناب هیجانی و یا درگیری شدید با سوگ و فقدان، تجربه خود را تحریف می‌کند (میرمحمدصادقی، ۱۳۸۴). گاه فرد برای رهایی از فشار فقدان و غم و اندوه بدون بررسی همه‌جانبه طرف مقابل و نقش خود در شکست رابطه عشقی قبلی، وارد رابطه می‌شود. عدم شناخت کافی و خودشناسی می‌تواند منجر به شکست رابطه جدید شود؛ چراکه شاید همان اشتباهات قبلی توسط فرد تکرار شود و یا طرف مقابل با شخص قبلی مورد مقایسه قرار گیرد و یا هیجانات منفی تخلیه نشده وارد زندگی جدید شود.

در ارتباط با فرایند انتخاب ملاک همسرگزینی در متقاضیان طلاق، نتایج این پژوهش نشان داد، عوامل همچون ناآگاهی، ازدواج اجباری یا ازدواج برپایه ملاک‌های احساسی، مزایا و مادیات، انگیزه‌های نامرتبط با امر ازدواج موجب بی‌توجهی به ملاک‌ها یا عدم تطبیق ملاک‌ها با همسر بالقوه آینده شده بود. در نتیجه، فرایند تعیین و بررسی ملاک‌ها با سهل‌انگاری صورت پذیرفته بود. مشارکت کنندگان اذعان داشتند که در زمان انتخاب همسر، ملاک‌های مشخصی نداشتند و یا ملاک‌های آن‌ها به علت سن پایین و عدم داشتن پیش‌زمینه ذهنی درباره ازدواج مبهم بوده است. این یافته با نتایج پژوهش شکر بیگی و همکاران (۱۳۹۵) که حاکی از نقش مهم سهل‌انگاری در تعیین و

در نظرگیری دقیق ملاک‌های همسرگزینی در ازدواج ناموفق است همخوان می‌باشد. به علاوه، این یافته با نتایج تحقیق چن و آستین^۱ (۲۰۱۷) که نشان‌دهنده تاثیرپذیری منفی جوانان چینی از رسانه‌ها در انتخاب سهل‌انگارانه ملاک‌های همسرگزینی هستند همسو می‌باشد.

در مجموع می‌توان گفت انتخاب همسر اولین گام از مجموعه گام‌های تشکیل سیستم خانواده به‌شمار می‌آید؛ بنابراین شناخت دقیق و منطبق بر اصول عقلانی، آگاهی کامل از ملاک‌های خود و اهداف زندگی و در نظر گرفتن زمان کافی برای شناخت و آشنایی، همچنین آگاهی از ضرورت و اهمیت شناخت زوج‌ها از یکدیگر و داشتن دیدگاه مثبت نسبت به فرایند آشنایی، می‌تواند بسترساز یک ازدواج موفق فراهم آورد. در واقع لازمی داشتن زندگی پایدار آن است که فرد، خود و تمامی ابعادی که در روابط و زندگی زناشویی می‌توانند اثرگذار باشند را مورد بررسی و توجه قرار دهد و سپس برای آگاهی بیشتر نسبت به همین ابعاد در طرف مقابل مدت زمان مناسبی را صرف کند تا بتواند با مقایسه و انطباق اطلاعات حاصل شده، عاقلانه‌ترین و بهترین تصمیم را برای ادامه زندگی خود بگیرد. همچنین زوج‌ها می‌بایست این امر را مدنظر قرار دهند که نادیده گرفتن فرایند آشنایی و فرایند تعیین ملاک و نقش خانواده‌ها و تأثیرات این سه عامل بر یکدیگر می‌تواند مشکلات متعددی را در ادامه‌ی رابطه‌ی آن‌ها به وجود آورد. از این رو پیشنهاد می‌شود نتایج اینگونه تحقیقات در کارگاه‌های آموزش پیش از ازدواج مورد استفاده مشاوران قرار گیرند. آگاهی دادن به مراجعان در این زمینه‌ها می‌تواند احتمال شکل‌گیری ازدواج ناپایدار را کاهش دهد و از آسیب‌های چندبعدی جدایی پیشگیری کند (کاپل و باکستر^۲، ۲۰۲۱؛ خدایاری فرد، زندی، حاج حسینی و همکاران^۳، ۲۰۱۷؛ حاج حسینی، زندی و ثانی نژاد، ۱۳۹۶).

1. Chen, R., Austin, J. P.

2. Kapelle, N., Baxter, J.

3. Khodayarifard, M., Zandi, S., Hajhosseini, M., Ghojari-Bonab, B.

لازم به ذکر است که کیفی بودن پژوهش حاضر به جهت بررسی عمیق تجربه‌ی انتخاب همسر متقاضیان طلاق جهت دستیابی به اطلاعات عمیق‌تری در ارتباط با فرایند طلاق پیش از تشکیل نطفه‌ی خانواده بوده است و از این رویک مزیت محسوب می‌شود؛ با این وجود، این پژوهش محدودیت‌هایی نیز داشته است. بیشتر مشارکت‌کنندگان، زنان متقاضی طلاق بودند؛ چرا که مردان به دلیل جو حاکم در شعبه‌ی سوم دادگاه خانواده و دیدگاه منفی نسبت به زنان و با توجه به داشتن مشکلات با همسر خود تمایل زیادی برای شرکت در پژوهش نداشتند. همچنین با توجه به اینکه این پژوهش تأکید بر مراحل اولیه‌ی ازدواج داشته است، محدودیت فراموشی جزئیات نیز وجود دارد.

مشارکت‌کنندگان مطالعه‌ی حاضر گاه ملاک‌های مناسبی را برگزیده بودند و نسبت به آن‌ها آگاهی داشتند اما تحت تأثیر فرایندهای روان‌شناختی، محیطی، اجتماعی و فرهنگی از آن‌ها آگاهانه چشم‌پوشی کردند و وارد رابطه‌ی ناپایداری شدند. از آنجا که در پژوهش حاضر کمتر به نقش فرایندهای روان‌شناختی تأثیرگذار بر چشم‌پوشی مردان و زنان نسبت به ملاک‌های خود پرداخته شده است، لذا پیشنهاد می‌شود پژوهش‌های آتی به بررسی این موضوع بپردازند.

ملاحظات اخلاقی پژوهش: کلیه‌ی شرکت‌کنندگان جهت شرکت در پژوهش رضایت شفاهی خود را اعلام نمودند و اطمینان لازم در مورد محرمانگی اطلاعات به آنها داده شده است.

سهم نویسندگان: هر سه نویسنده به‌ویژه نویسنده‌ی اول در ایده‌پردازی، تحلیل داده‌ها و نگارش و اصلاح مقاله نقش مؤثر داشته‌اند. مسئول جمع‌آوری داده‌ها نیز نویسنده‌ی اول بوده است. نویسنده‌ی دوم کلیه‌ی مراحل پژوهش را مدیریت کرده است.

حمایت مالی: این مقاله هیچ‌گونه حمایت مالی نداشته و در راستای پژوهش پایان‌نامه‌ی نویسنده‌ی اول به نگارش درآمده است.

تعارض منافع: یافته‌های این مطالعه هیچ‌گونه تضادی با منافع شخصی یا سازمانی ندارد.

قدردانی: از کلیه‌ی مشارکت‌کنندگان در پژوهش که در روند اجرای این طرح با پژوهشگران همکاری کردند سپاسگزاری می‌گردد.

منابع

- اسمعیلی، م (۱۳۹۴). ملاحظات پارادایمیک در خانواده‌درمانی (چاپ اول). تهران: نشر علم.
- پورمحسنی کلوری، ف (۱۳۹۵). تفاوت‌های جنسیتی در سبک‌های و ویژگی‌های شخصیتی در پیش‌بینی سبک‌های عشق‌ورزی در دانشجویان. *پژوهش‌های علوم شناختی و رفتاری*، ۱۰ (۱)، ۳۲-۱۷.
- تکلیوی، س؛ رمضانی، م (۱۳۸۹). مقایسه شکست عاطفی و صفات سه‌گانه تاریک شخصیت در زنان با و بدون آمادگی به اعتیاد. *فصلنامه اعتیادپژوهی*، ۱۳ (۵۳)، ۳۰۵-۲۸۵.
- ثنایی، ب (۱۳۷۸). نقش «خانواده‌های اصلی» در ازدواج فرزندان. *پژوهش‌های مشاوره*، ۱ (۲)، ۴۶-۲۱.
- ثنایی، ب؛ علاقبند، س؛ فلاحتی، ش؛ هومن، ع (۱۳۹۶). مقیاس سنجش خانواده و ازدواج (چاپ سوم). تهران: بعثت.
- جان‌بزرگی، م (۱۳۹۷). مشاوره پیش از ازدواج: اصول، مبانی و راهبردهای عملی. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- جعفریان، م؛ لبافی، س (۱۳۹۷). آسیب‌شناسی انتخاب همسر در شهر اصفهان: یک مطالعه کیفی. *زن و مطالعات خانواده*، ۱۱ (۴۲)، ۸۹-۷۱.
- حاج‌حسینی، م؛ زندی، س؛ ثانی‌نژاد، س (۱۳۹۶). اثربخشی آموزش گروهی برنامه کاربرد عملی مهارت‌های ارتباط صمیمانه بر رضامندی زناشویی زنان باردار. *رویش روان‌شناسی*، ۶ (۲)، ۲۳۸-۲۲۱.
- داودی، ز؛ فاتحی‌زاده، م؛ احمدی، الف؛ جزایری، ر (۱۳۹۸). امنیت خانواده در سایه تعدیل قدرت‌طلبی بیمارگونه در زوج‌ها. *پژوهش‌های مشاوره*، ۱۸ (۷۰)، ۱۶۰-۱۳۰.
- رحمتی، ب؛ فرحبخش، ک؛ معتمدی، ع؛ برجعلی، الف (۱۳۹۹). الگوی تحول «مایی» در زوج‌های موفق بر مبنای نظریه زمینه‌ای. *پژوهش‌های مشاوره*، ۱۹ (۷۵)، ۲۸۹-۲۵۲.
- رستمی، م؛ نوابی‌نژاد، ش؛ فرزاد، و (۱۳۹۸). آسیب‌شناسی مشکلات زوج‌ها در مرحله نامزدی: یک مطالعه کیفی. *روان‌شناسی خانواده*، ۶ (۱)، ۵۵-۶۸.
- سگالن، م (۱۹۴۰). جامعه‌شناسی تاریخی خانواده، ترجمه: الیاسی، حمید، ۱۳۸۷، تهران: انتشارات مرکز.
- سیف‌زاده، ع؛ قنبری برزینان، ع (۱۳۹۲). بررسی نقش خشونت بر میزان طلاق در میان زنان. *زن و جامعه*، ۴ (۳)، ۱۵۰-۱۲۵.
- شکریگی، ع؛ احمدی، الف؛ ابراهیم‌منش، م (۱۳۹۵). بازتابی معنایی ماهیت زندگی زناشویی در ازدواج ناموفق (رویکرد برساخت‌گرایانه). *زن و جامعه*، ۷ (۲)، ۸۸-۶۹.
- شهرابی‌فراهانی، ل؛ فاتحی‌زاده، م؛ اعتمادی، ع (۱۳۹۷). کشف نگرش‌های انتخاب همسر در دختران در آستانه ازدواج: تحقیق کیفی. *پژوهش‌های مشاوره*، ۱۸ (۶۹)، ۱۶۲-۱۳۳.

- مسعودی‌نیا، ز؛ بانکی‌پور فرد، الف؛ قلی‌زاده، الف (۱۳۹۴). مطالعه‌ی کیفی تجارب مردان و زنان طلاق گرفته از عوامل فرهنگی زمینه‌ساز طلاق. *جامعه‌شناسی کاربردی*، ۲۶ (۱)، ۱-۱۵.
- گلدنبرگ، ه؛ گلدنبرگ، الف (۲۰۱۳). خانواده‌درمانی (چاپ دوم). ترجمه: فیروزبخت، مهرداد، ۱۳۹۶، تهران: موسسه خدمات فرهنگی رسا.
- محسن زاده، ف؛ نظری، ع؛ عارفی، م (۱۳۹۰). مطالعه کیفی عوامل نارضایتی زناشویی و اقدام به طلاق (مطالعه موردی شهر کرمانشاه). *مطالعات راهبردی زنان*، ۱۴ (۵۳)، ۷-۴۲.
- مشکی، م؛ شاه قاسمی، ز؛ دلشاد نوقابی، ع؛ مسلم، ع (۱۳۹۰). بررسی وضعیت و عوامل مرتبط با طلاق از دیدگاه زوج‌های مطلقه شهرستان گناباد در سال‌های ۸۸-۱۳۸۷. *افق دانش*، ۱۷ (۱)، ۳۵-۴۴.
- مصطفائی، ف؛ پیوسته‌گر، م (۱۳۹۵). پیش‌بینی سبک عشق ورزی براساس سبک دلبستگی دانشجویان متأهل دانشگاه آزاد اسلامی رودهن. *مجله روان‌شناسی و روان‌پزشکی*، ۳ (۲)، ۱۱-۲۰.
- میرمحمدصادقی، م (۱۳۸۴). آموزش پیش از ازدواج. تهران: سازمان بهزیستی کشور، معاونت امور فرهنگی و پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی.

- Bejanyan, K., Marshall, T. C., & Ferenczi, N. (2014). Romantic ideals, mate preferences, and anticipation of future difficulties in marital life: a comparative study of young adults in India and America. *Frontiers in psychology*, 5, 1355. <https://doi.org/10.3389/fpsyg.2014.01355>
- Boyce, C. J., Wood, A. M., & Ferguson, E. (2016). For better or for worse: The moderating effects of personality on the marriage-life satisfaction link. *Personality and Individual Differences*, 97, 61-66.
- Bromfield, N. F., Ashour, S., & Rider, K. (2016). Divorce from arranged marriages: an exploration of lived experiences. *Journal of Divorce & Remarriage*, 57 (4), 280-297.
- Chen, R., & Austin, J. P. (2017). The Effect of External Influences on Mate Selection Necessity Traits: Cross-Cultural Comparisons of Chinese and American Men and Women. *Marriage & Family Review*, 53 (3), 246-261.
- Davoodi Z., & Fatehizadeh, M. (2019). Family security in the shadow of adjustment the patient's power of couples. *Counseling Research*, 18 (70), 130-160.
- Esmaeili, M. (2015). *Paradigmatic Considerations in Family Therapy (First Edition)*. Tehran: Elm Publishing.
- Goldenberg, H., & Goldenberg, I. (2013). *Family therapy (second edition)*. Translated by Mehrdad Firoozbakht, 2017, Tehran: Rasa Cultural Services Institute.
- Hajhosseini, M., Hosseini-Shabanan, S., & Zandi, S. (2014). Analysis of psychosocial sources of feminine identity in delaying marriage. Oral presentation at The First International Conference on Humanities and Behavioral Studies; Tehran, Iran.
- Hajhosseini, M., Zandi, S., & Sannejad, S. (2017). Efficacy of PAIRS group psycho-education on marital satisfaction of pregnant women. *Rooyesh-e-*

- Ravanshenasi*, 6 (2), 221-238.
- Jafarian, M., & Labafi, S. (2018). Pathology of spousal selection in Isfahan: A qualitative study. *Women and Family Studies*, 11 (42), 71-89.
- Janbozorgi, M. (2018). *Premarital counseling: principles, principles and practical strategies*. Qom: Research Institute of Hawzah and University.
- Kapelle, N., & Baxter, J. (2021). Marital Dissolution and Personal Wealth: Examining Gendered Trends across the Dissolution Process. *Journal of Marriage and Family*, 83, 243-259. <https://doi.org/10.1111/jomf.12707>
- Kelly, C., Huston, T. L., & Cate, R. M. (1985). Premarital Relationship Correlates of the Erosion of Satisfaction in Marriage. *Journal of Social and Personal Relationships*, 2 (2), 167-178. doi:10.1177/0265407585022004
- Khodayarifard, M., Zandi, S., Hajhosseini, M., & Ghobari-Bonab, B. (2017). Efficacy of positive thinking training on the family process and subjective wellbeing of female heads of household. *Family Research*, 12 (4), 593-612.
- Markman, H. J., Rhoades, G. K., Stanley, S. M., Ragan, E. P., & Whitton, S. W. (2010). The premarital communication roots of marital distress and divorce: The first five years of marriage. *Journal of Family Psychology*, 24 (3), 289-298. doi:10.1037/a0019481
- Masoudinia, Z., Bankipoorard, A., & Gholizadeh, A. (2015). Qualitative Study of the Experiences of Divorced Men and Women of Cultural Factors Inducement Divorce. *Journal of Applied Sociology*, 26 (1), 39-64.
- Miller, P. E. (2021). Partner Selection: Decision-Making as Experienced by Engaged and Married Couples. *Marriage & Family Review*, 57 (2), 93-110, DOI: 10.1080/01494929.2020.1744499
- Mirmohammad-Sadeghi, M. (2005). *Premarital education*. Tehran: Welfare Organization, Deputy for Cultural Affairs and Prevention of Social Injuries.
- Mohsenzadeh, F., Nazariy, A., & Arefi, M. (2011). Qualitative study of factors contributing to marital dissatisfaction and applying for divorce (the case of Kermanshah). *Women's Strategic Studies*, 14 (53), 7-42.
- Moshki, M., Shahghasemi, Z., Delshad-Noghabi, A., & Moslem, A. (2011). The Survey of Condition and Related Factors to Divorce from Divorced Couples' Viewpoint of Gonabad City in 1387-88. *The Horizon of Medical Sciences*, 17 (1), 35-44.
- Mostafae, F., & Peivastegar, M. (2016). Predicting love style respect with attachment style in married student of Roudehen University. *Shenakht Journal of Psychology and Psychiatry*, 3 (2), 11-20.
- Nelson, H. A. (2008). A grounded theory model of how couples prepare for marriage. Doctoral dissertation, University of Illinois at Urbana Champaign.
- Rahmati, A., & Bahraminejad, H. (2018). Signs of Divorce before Marriage: The Role of Premarital Events in Iran. *Journal of Divorce & Remarriage*, 60 (4), 1-15.
- Pourmohseni-Koluri, F. (2016). Gender Differences in Attachment Style and Personality Traits in Prediction of Love Styles in University Students. *Research in Cognitive and Behavioral Sciences*, 6 (1), 17-32. doi: 10.22108/cbs.2016.20751

- Rahmati, A., & Bahraminezhad, H. (2020). Experience of Divorce Demandants before Marriage (Dating, Engagement, and Marriage): Phenomenological Analysis. *Journal of Qualitative Research in Health Sciences*, 8 (1), 68-82.
- Rahmati, B., Farahbakhsh, K., Motamedi, A., & Borjali, A. (2020). The pattern of "weness" evolution in successful couples based on grounded theory. *Counseling Research*, 19 (75), 252-289.
- Rijavec Klobučar, N., & Simonič, B. (2018). Risk factors for divorce in Slovenia: A qualitative study of divorced persons' experience. *Journal of Family Studies*, 24 (3), 291-306. <https://doi.org/10.1080/13229400.2016.1176592>
- Rostami, M., Navabinejad, S., & Farzad, V. (2021). Pathology of couples' problems in engagement: A qualitative study. *Journal of Family Psychology*, 6 (1), 55-68.
- Sanai, B. (1999). The role of "main families" in child marriage. *Consoling Research*, 1 (2), 46-21.
- Sanai, B., Alaqeband, S., Falahati, S., & Hooman, A. (2017). *Family and Marriage Scale (Third Edition)*. Tehran: Besat.
- Segalen, M. (1940). *Historical anthropology of the family*. Translated by Hamid Eliassy. Tehran: Markaz Publications.
- Seifzadeh, A., & Ghanbari-Barzian, A. (2013). The Role of Violence in the Rate of Divorce among Women. *Quarterly Journal of Women and Society*, 4 (3), 125-150.
- Shahrabi-Farahani, L., Fatehizade, M., & Etemadi, O. (2019). Discovery of Mate Selection Attitudes of Single Girls: A Qualitative Study. *Counseling Research*, 18 (69), 133-162.
- Shekarbeigi, A., Ahmadi, O., & Ebrahimi-Manesh, M. (2016). Semantic Representation of Nature of Married Life in Failed Marriages (Constructivist Approach). *Quarterly Journal of Women and Society*, 7 (26), 69-88.
- Taklavi, S., & Ramezani, M. (2019). Comparison of emotional failure and Dark Triad (DT) in women with and without addiction potentiality. *Etiadpajohi*, 13 (53), 285-300.

